

تراکتور باز هم به دنبال فرار از حکم کمیته انضباطی است

دعوا سر تماشاگر

نگار رشیدی

فوتبال بدون تماشاگر، شبیه به قلبی است که از تپش افتاده باشد؛ نمایشی سرد روی پرده‌ای خاکستری که هیچ احساسی را به بیننده منتقل نمی‌کند. در آستانه هفته سوم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران، تمام نگاه‌ها، دوربین‌ها و تیرهای خبری به سمت کلان‌شهر تبریز و ورزشگاه بزرگ یادگار امام (ره) چرخیده است. جایی که قرار است یکی از حساس‌ترین، نفس‌گیرترین و حیثیتی‌ترین نبردهای فوتبال ایران میان دو قطب برطرطدار، یعنی تراکتور آذربایجان و پرسپولیس تهران برگزار شود. اما این بار، یک تفاوت بزرگ و البته تلخ وجود دارد؛ سایه سنگین یک حکم انضباطی و محرومیت تماشاگران، مانند یختری سیاه روی این هیجان ناب افتاده است. ورزشگاهی که همیشه با حضور ده‌ها هزار هوادار سرخ‌پوش تبریزی به یک دیگ جوشان تبدیل می‌شد، لوزه بر اندام هر حرفی می‌نذاخت، حالا در آستانه تجربه یک سکوت مرگبار و آزاردهنده است. سکوتی که نه باز یکنگان تراکتور با آن میانه‌ای دارند و نه زیبایی فوتبال ایران آن را می‌پذیرد.

مدیران باشگاه تراکتور که به خوبی می‌دانند غرش هواداران پرشورشان، نیمی از قدرت و نیروی محر که تیم در بازی‌های بزرگ است، حاضر نیستند پیش از به صدا در آمدن سوت آغاز مسابقه، دست‌ها را به علامت تسلیم بالا ببرند. آن‌ها در یک اقدام سناهای و رسمی، با انتشار بیانییه‌ای طولانی و احساسی، خواستار بازنگری فوری فدراسیون فوتبال در این محرومیت شده‌اند. در این بیانییه که لحنی آمیخته با احترام، قانون‌مداری و البته یادآوری جایگاه تاریخی مردم آذربایجان دارد، تراکتور صراحتاً اعلام کرده‌است که تخلفات گذشته روی سکوهای هیچ و جوق قابل توجه نیست و قانون باید فصل الخطاب باشد. اما آن‌ها یک مفهوم جدید را روی میز کارن قضایی فدراسیون گذاشته‌اند؛ نگاه اصلاحی در کنار اجرای قانون. باشگاه تراکتور، با یادآوری روزهای سخت تاریخ ایران و ایستادگی مردم آذربایجان با اتحاد و غیرت، تلاش کرده نشان دهد که شورو فرهنگ هواداری این منطقه، شایسته یک فرصت دوبار و توجه ویژه‌است. مسائله‌ای که برای مردم این دیار فراتر از یک رقابت‌نود دقیقه‌ای است و یا تار و پود زندگی روزمره‌شان گره خورده‌است.



باشگاه تراکتور برای جلب رضایت کمیته انضباطی و ارکان قضایی فدراسیون فوتبال، تنه‌ای به کلمات احساسی بسننده نکرده و بسته‌ای از تضمین‌های اجرایی و عملیاتی را ارائه داده‌است. آن‌ها به صراحت اعلام کرده‌اند که آمادگی کامل دارند تا تمام ظرفیت‌های استانی و باشگاهی خود را برای برگزاری مسابقه‌ای در شان فوتبال ایران به کار گیرند. افزایش چشم‌گیر و بی سابقه تدابیر امنیتی و نظارتی در تمامی مسیرهای منتهی به ورزشگاه، گیت‌های ورودی و روی سکوها، اجرای برنامه‌های فرهنگی ویژه و مدون پیش از آغاز مسابقه و در بین دو نیمه برای تطبیف فضای رقابت و کاهش تنش‌های احتمالی و تضمین و تأکید جدی بر رعایت کامل اخلاق ورزشی و انضباط از سوی لیدرهای کانون هواداران و تماشاگران حاضر در ورزشگاه، وعده‌هایی است که ترا توری‌ها به فدراسیون داده‌اند. تراکتور می‌خواهد ثابت کند که بلوغ هواداری در تبریز به نقطه‌ای رسیده‌است که می‌تواند یک بازی بزرگ را بدون کوچک‌ترین حاشیه‌ای میزبانی کند، به شرطی که درهای یادگار امام بار دیگر به روی صاحبان اصلی‌اش باز شود.

اما این تقلا و تلاش برای بخشش، برای دنبال کنندگان جدی فوتبال ایران اصلاً ناشناخته نیست و شبیه به یک دژ آووی تلخ تکرار می‌شود. فصل گذشته نیز دقیقاً تراکتور در موقعیتی کاملاً مشابه قرار گرفت. در آن زمان، تیم تبریزی در آستانه یک دیدار حساس در رقابت‌های جام حذفی بود و محرومیتی از سوی کمیته انضباطی گریبان آن‌ها را گرفته بود. باشگاه با ابراز اندازی موجی رسانه‌ای در خونسازی‌های مکرر، تلاش کرد تا دروازه ورزشگاه را به روی هواداران‌ش باز کند. فدراسیون فوتبال هم با استدلالی قاطع و حقوقی، اعلام کرد که احکام انضباطی مربوط به مسابقات لیگ برتر، منحصر باید در بازی‌های لیگ اعمال شود و نمی‌توان آن را در جام حذفی سوزاند. به همین بهانه، آن بازی حنفی با تماشاگر پر گزار شد. حالا تراکتور دوباره همان مسیر پر پیچ و خم را در پیش گرفته است، اما این بار در خواست آن‌ها مستقیماً قلب لیگ برتر و اجرای یک حکم در همان تورنمنت را نشانه رفته‌است.

در سوی دیگر این میدان پر التهاب، پرسپولیس‌ها با چشمانی تیزبین، حساسیت و دلاوری خشمی پنهان، تمام کارت‌های باشگاه تبریزی را رصد می‌کنند. کادر مدیریتی، کادرفنی و بازیداران میلیون‌ی پرسپولیس به شدت نسبت به احتمال لغو یا حتی تعلیق این محرومیت موضع گرفته‌اند. استدلال اردوگاه تهران بسیار روشن و منطقی و بی نقص است؛ قانون باید برای همه تنبیه‌دار، همه شهرها و در هر شرایطی یکسان اجرا شود. از نگاه پرسپولیس‌ها، بخشش یا تعلیق محرومیت تراکتور درست در آستانه چنین رقابت مستقیم و فوق العاده حساسی، نه تنه‌ای به معنای بی عدالتی محض رقابتی است بلکه اعتبار، صلابت و استقلال احکام کمیته انضباطی را برای همیشه در افکار عمومی زیر سوال می‌برد. آن‌ها معتقدند اگر پرسپولیس در شرایط مشابهی بوده، هرگز چنین ارفاقی شامل حاش نمی‌شد و فدراسیون نباید تسلییم فشارهای رسانه‌ای و بیانییه نویسی باشگاه‌ها شود. تقابل این دو نگاه، فضا را پیش از شروع مسابقه به شدت ملتهب کرده‌است.

حالا تسواید دقیقاً در زمین فدراسیون فوتبال است. تصمیم گیرندگان در برابر یک دوراهی تاریخی و بسیار دشوار قرار گرفته‌اند. از یک سو، جذابیت صبری لیگ برتر، حق پخش و روح فوتبال ایجاب می‌کند که بزرگ‌ترین بازی‌های هفته با حضور تماشاگران پرگزار شود تا شور و حرارت به جامعه تزریق شود. حضور هواداران را یادگار امام می‌تواند جلوه‌ای بی نظیر از فوتبال ایران را به نمایش بگذارد. اما از سوی دیگر، کوهانه آمدن در برابر قانون و لغو یک حکم قطعی، می‌تواند به مثابه باز کردن جعبه پاندورا باشد؛ جایی که از فردا، هر باشگاهی با یک بیانییه احساسی خواهان دور زدن قوانین انضباطی خواهد شد. این تصمیمی است که می‌تواند سکوهای سیمانی و سرد یادگار را دوباره به در یایی خروشان از پرچم‌های سرخ تبدیل کند؛ سکوئی که مرگبار و تاریخی را یکی از جذاب‌ترین دوتل‌های فصل کامل سازد.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

وقتی سوت پایان، آغاز گر یک جنگ حقوقی است

## سایه سنگین یک کابوس

آر یا طاری

ورزشگاه شهید وطنی قائمشهر، با آن سکوهای نزدیک به چمن و اتمسفر خفه کننده‌اش، همواره برای تیم‌های پایتخت‌نشین چیزی فراتر از یک استادیوم معمولی بوده است. اینجا آوردگاهی است که فوتبال باوی چمن مرطوب، تعصب خالص روی سکوها و جنگ‌های فیزیکی بی‌امان گره می‌خورد. برای استقلال، سفر به دیار مازندران در سال‌های اخیر شبیه به قدم زدن در یک میدان مین بوده؛ سفرهایی که در ۴۰ تقابل گذشته، چیزی جز تساوی‌های فرسایشی، مصدومیت و امتیازات از دست‌رفته برای آبی‌ها به همراه نداشت. استقلال می‌دانست که برای اثبات شخصیت قهرمانی خود در لیگ بیست‌وششم، باید این طلسم قدیمی را بشکند. در غروب پر التهاب مردادماه، سهراب بختیاری زاده و شاگردانش دقیقاً همین کار را کردند. استقلال در نبردی که از یک سو نیازمند نبوغ تاکتیکی بود و از سوی دیگر محتاج صوری روانی، موفق شد با یک گل اقتصادی اما بی نهایت ارزشمند، از سد نساجی جان‌سخت بگذرد و با ۶ امتیاز کامل از ۲ بازی، مقتدرانه به صدر جدول تکیه بزنند. اما این تصویر باشکوه، تنها نیمه روشن ماه بود. در تاریکخانه این پیروزی، یک پمپ ساعتی در حال تیک تاک است؛ پرونده‌ای حقوقی که می‌تواند نته‌تها دستاورد های فنی سهراب، بلکه کل اعتبار و نظم لیگ برتر را به خاکستر تبدیل کند.

**برده اول: قص روی لبه تیغ**

سهراب بختیاری زاده که تیمش در ایستگاه اول مس شهر بایک را با ۴ گل در هم کوبیده بود، با شعار کلاسیک به ترکیب برنده دست‌نزن، همان ۱۱ مرد هفته نخست را روانه میدان کرد. پیام این تصمیم، به ویژه در مورد حضور ثابت یاسر آسانی، بسیار روشن بود؛ استقلال در برابر فشارهای رسانه‌ای و ششکایت‌های حقوقی عقب‌نشینی نمی‌کند. از همان دقایق ابتدایی، آرایش تهاجمی استقلال نبض بازی را در اختیار گرفت. حرکات ترکیبی در کانال‌های کناری، نفوذهای ویرانگر صالح حمدانی از جناح راست و خلاقیت علیرضا کوشکی در میانه میدان، خط دفاعی نساجی را تحت فشار شدیدی قرار داد. هنوز عرق بازیکنان خشک نشده بود که چرخش تماشاایی اسماعیل قلی‌زاده در محوطه جریمه، زنگ خطر را برای میزبان به صدا درآورد. اما استقلال خیلی زود متوجه شد که برای رسیدن به گل، باید از یک سد بتنی عبور کند؛ علیرضا جعفر پور، سنگربان جوان نساجی در نیمه اول، نمایشی فراتر از استانداردهای لیگ برتر ارائه داد. او در دقیقه ۱۴، شلیک کات‌دار و مرگبار طلسم ۷۰روزه شکسته شد. آزادی، یک قمار تاکتیکی زد. او سعید سحرخیزان خسته را بیرون کشید و محمدرضا آزادی را به میدان فرستاد. آزادی در شرایطی با به چمن وطنی گذاشت که کوهی از فشار روانی را روی شانه‌هایش حمل می‌کرد. از آخرین باری که او در یک مسابقه رسمی موفق به گلزنی شده بود، دقیقاً ۷۰۷ روز می‌گذشت؛ ۷۰۷ روز کابوس وار، پر از انتقاد، نیمکت‌نشینی و افت روحی. اما جادوی فوتبال، گاهی در کسری از ثانیه تمام معادلات را به هم می‌ریزد. تنها ۱۲۰ ثانیه پس از ورود آزادی به زمین، استقلال صاحب یک ضربه کرنر شد. یاسر آسانی، همان بازیکنی که نامش این روزها لرزه بر اندام لیگ می‌انداذ، در پشت توپ ایستاد. او روی یک کار تمرین شده، توپ را به صورت زمینی و محکم به پشت محوطه جریمه فرستاد. ضربه قلبی زاده با دخالت مدافعان نساجی همراه شد و توپ در میان شلوغی محوطه شش قدم، دقیقاً مقابل پای آزادی افتاد. در آن لحظه، گویی زمان در استادیوم وطنی متوقف شد. آزادی، بدون هیچ درنگی و با یک ضربه بغل‌بای مهارشکنی، توپ را به تور دروازه جعفر پور دوخت. طلسم ۷۰روزه شکسته شد. مهاجمی که در برزخ فراموشی دست و پامیز، در ۱۲۰ ثانیه به منجی بزرگ استقلال تبدیل شد. او به احترام روزهای خوبی که در نساجی داشت و به حرمت هواداران قائمشهری، دستانش را بالا برد و شادی نکرد. اما مهم تیمی‌هایش روی سر او خراب شدند. استقلال با همین یک گل، فاتح سترگ قائمشهر شد و با ۶ امتیاز به صدر جدول پرواز کرد.

**بر ده سوم: پرونده‌ای که لیگ را می‌بلعد**  
به‌صدا در آمدن سوت پایان مسابقه، مأموریت بازیکنان در زمین چمن به پایان رسید، اما مأموریت مدیران و کلاهی ورزشی تازه آغاز شد. در حالی که هواداران استقلال غرق در سرمستی این پیروزی

چهره به چهره

رامین رضاییان چرا مجبور شد به جنوب برگردد؟

## بازگشت به نقطه صفر

نازنین دشتی

فوتبال ایران در تابستانی که گذشت، یکی از طولانی‌ترین، پر التهاب‌ترین و پیچیده‌ترین سریال‌های نقل و انتقالاتی خود اسپری کرد؛ سریالی که نقش اول آن کسی نبود جز رامین رضاییان. بازیکنی که همواره نامش حاشیه، تیرهای درشت و البته کیفیتی انکارناپذیر در مستطیل سبز گره خورده‌است. حالا، اما، پس از هفته‌ها کش و قوس، شایعات ضد و نقیض و مذاکرات فرسایشی، شماره ۲۷ محبوب و جنجالی فوتبال ایران، تصمیم نهایی خود را گرفته است. او نه به اردوگاه سرخ‌پوشان پایتخت بازگشت، نه در جمع آبی‌ها ماندگار شد، نه راهی اصفهان شد و نه بلیت تبریز را در جیب گذاشت. رامین رضاییان، با لباسی قرمز اما در دیار کارون، رسماً به فولاد خوزستان پیوست تا یکی از جذاب‌ترین انتقال‌های تابستانی لیگ بیست‌وششم لقب بگیرد. اما در پس این عکس‌های یادگاری با پیراهن فولاد و لیخنده‌های مقابل دوربین، داستانی پر از فراز و نشیب، طمع، واقع‌بینی و در نهایت قدرشناسی نهفته‌است. داستانی که واکنش آن‌ها را در واقعیت‌های امروز مار کیتینگ و اقتصاد فوتبال ایران بر می‌دارد.

داستان جدایی رامین از استقلال، فراتر از یک اتمام قرارداد ساده بود. او که پیش از انتقال قرضی‌اش به فولاد در فصل گذشته، قرارداد خود را با استقلال تمدید کرده بود، پس از درخشش در اهواز و تیم ملی، با داستانی پر به پایتخت بازگشت. الحاقیه‌ها و بندهای موجود در قرارداد او با آبی‌پوشان، راه را برای یک چانه‌زنی بزرگ باز گذاشته بود. اما وقتی مذاکرات برای ادامه همکاری به بن‌بست رسید، تورنمنت بزرگ رضاییان در بار نقل و انتقالات آغاز شد. رامین خودش را در بالاترین نقطه قهرم فوتبال‌اش می‌دید و معتقد بود ارزش او در بازار، بسیار فراتر از قرارداد معمول لیگ برتر است. نمایندگان او دور میزی نشسته‌ند که در سمت دیگر آن، مدیران متمول‌ترین و بزرگ‌ترین باشگاه‌های ایران حضور داشتند؛ پرسپولیس با رویای بازگشت پسر باغی، سپاهان با جیب‌های همیشه پر و تراکتور که این تابستان برای بستن یک تیم کهکشانی خیز بر داشته بود. اما یک سبز بزرگ وجود داشت؛ رقم در خواستی رامین، اعدادی که از سرمی تیم مذاکره کننده رضاییان روی میز گذاشته می‌شد، به قدری نجومی و بالا بود که حتی دست‌دلباز ترین مدیران لیگ

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee\_irani

toseeirani.ir

شماره ۲۲۵۳ / پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ / ۷ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۲۰ آگوست ۲۰۲۶



از آن تاریخ حق بازی برای استقلال را نداشته است، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ پاسخ این سوال، یک قاجعه تمام‌عیار برای استقلال است؛ طبق مقررات انضباطی، تمام مسابقاتی که استقلال در آن‌ها از یاسر آسانی استفاده کرده باشد، با نتیجه ۳ بر صفر به سود حریفان اعلام خواهد شد. یعنی استقلال که در زمین مسابقه با اقتدار ۴ بر صفر و یک بر صفر پیروز شده، ناگهان در جدول لیگ با دو شکست ۳ بر صفر، صفر امتیاز و تفاضل گل منفی ۶ مواجه خواهد شد!

**بر ده چهارم: انفعال مرگبار**

در این ترازوی در حال وقوع، نسو ک پیکان انتقادات نه به سوی استقلال است که به باز یکن خود اعتماد کرده و نه به سوی تیم‌های شاکی که به دنبال احقاق حق خود هستند. متهم ردیف اول، نسو ک و انفعال آزاردهنده ارکان قضایی فدراسیون فوتبال است. چرا کمیته انضباطی در یا کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال، در مواجهه با پرونده‌ای که پتانسیل نابودی یک فصل از لیگ برتر را دارد، تا این حد کند و بی تفاوت عمل می‌کند؟ استقلال قرار است در هفته‌های آینده به مصاف غول‌هایی چون سپاهان، فولاد و پرسپولیس برود. اگر استقلال در این بازی‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز نیز از آسانی استفاده کند و در نهایت مشخص شود که او بازیکن غیر مجاز بوده‌است، لیگ برتر ایران با یک زلزله بی سابقه مواجه خواهد شد. تغییر نتایج پنج یا شش مسابقه به ۳ بر صفر، نه تنها استقلال را از کورس قهرمانی خارج می‌کند، بلکه جدول لیگ را به یک کار بکارتو، حقوقی تبدیل کرده و حق تیم‌های دیگر را نیز تضییع می‌کند. اینجاست که حقوق‌دانان ورزشی انگشت خود را روی یک ماده حیاتی اما فراموش شده در آیین‌نامه انضباطی می‌گذارند؛ ماده ۱۰۰. بر اساس این ماده، رئیس رکن قضایی فدراسیون این اختیار را دارد که هر زمان ضرورت ایجاب کند، برای جلوگیری از زیان‌های جبران‌ناپذیر و حفظ نظم مسابقات، بلافاصله دستور موقت صادر کند. صدور دستور موقت به معنای اعلام قطعی غیر مجاز بودن بازیکن نیست؛ بلکه یک ترمز اضطراری است. فدراسیون باید در این شرایط، یک ترمز اضطراری را به پای جبر بازار نوشت، اما در لا بهای عمیق‌تر این تصمیم، نوعی آواز دین و قدرشناسی نهفته‌است. رامین در فرودگاه اهواز و در میان حلقه هواداران پر شور فولادی، جمله‌ای طلایی به زبان آورد: «هو قفیتم در جام جهانی رامدیون مردم اهواز می‌دانم.» او به تیمی بر گشته‌است که سال گذشته به او کمک کرد تا از یک بازیکن نیمکت‌نشین و پر حاشیه، دوباره به تیر یک رسانه‌های بین‌المللی تبدیل شود. او بر گشته تا پاسخ محبت مردمی را بدهد که در سخت‌ترین روزهای فوتبال‌اش، تنها پیش نگذاشتند.

رضاییان باهوش‌تر از آن است که بدون یک پایان‌بندی مناسب، استقلال را ترک کند. انتشار یک استوری احساسی و خداحافظی با هواداران استقلال، آخرین پرده از این نمایش تابستانی بود. او با دلبستگی و محترمانه از جنگیدن با تعصب برای سکوهای آبی نوشت و پرورده حضورش در این تیم را هم از نظر قانونی و هم از نظر احساسی بست. پیامی که نشان می‌دهد رامین امروز، بسیار پخته‌تر از بازیکنی است که در گذشته با تصمیمات هیجانی، پل‌های پشت سرش را خراب می‌کرد. اما تقویم لیگ برتر فوتبال ایران، طنز و درام عجیبی در دل خود دارد. فولاد خوزستان در هفته دوم به مصاف شمس آذر قزوین رفت اما اوج داستان، تنها دو هفته بعد رقم خواهد خورد. در هفته چهارم لیگ برتر، فولاد خوزستان در اهواز میزبان استقلال تهران خواهد بود. آبی یعنی رامین رضاییان، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، باید با پیرپران قرمز فولاد، در مقابل تیمی بایسته که تا همین چند روز پیش بر سر تمدید قرارداد با آن‌ها چانه می‌زد، مستطیل سبز در اهواز، به زودی شاهد یکی از جذاب‌ترین تقابل‌های فصل خواهد بود؛ جایی که بهترین بازیکن ایران در جام جهانی، باید ثابت کند که تصمیمش برای بازگشت به خانه دوم، برنده‌ترین برگ بازی این تابستان پر التهاب بوده‌است. رامین حالا دوباره در نقطه عاشقی ایستاده؛ آماده برای جنگیدن در سرزمینی که همیشه به او

راه هم به عقب‌نشینی واداشت. در اقتصادی که سقف بودجه (هر چند با تبصره و دور زدن)

همچون شمشیری بالای سر باشگاه‌هاست، هیچ کدام از این چهار قطب بزرگ فوتبال ایران حاضر نشدند ساختار مالی تیم خود را برای جذب یک مدافع راست، پولو در قوار‌های بهترین

بازیکن ایران در ادوار جام جهانی، در هم بشکنند. درهای استقلال، پرسپولیس، سپاهان و

تراکتور یکی پس از دیگری بسته شدند و رامین ماند و بازار که

دیگر حاضر نبوده به هر قیمتی او را بخرد.

وقتی غبار مذاکرات با غول‌های مدعی خوابید، واقعیت خودش را نشان داد. رامین باید تیمی را

انتخاب می‌کرد که هم اعتبار فوتبالی او را حفظ کند

و هم فضای آرام‌برای تداوم درخشش باو بدهد. اینجا

بود که نام فولاد خوزستان دوباره در ذهن او پرنگ شد.

برای درک این انتخاب، باید به نیم‌فصل دوم سال گذشته

فلش‌بک بزنیم. رامین در استقلال آن روزها، بازیکنی

بود که از روزهای او جش فاصله گرفته بود.

انتقادات بالا بود و فشار سکوهای سنگین. انتقال

قرضی به فولاد، در آن مقطع شبیه به یک

